

کاراته‌کای ایران با دست شکسته

مدال جهانی گرفت

صالح ابازری پس از کسب مدال برنز کاراته در چنگدو گفت: با دست شکسته و اردوهای تعطیل به تنهایی تمرین کردم و در نهایت توانستم مدال برنز را کسب کنم. روز دوم رقابت‌های کاراته بازی‌های جهانی چنگدو پیگیری شد و حاصل تلاش ۲ نماینده ایران کسب یک مدال برنز بود تا عملکرد ملی‌پوشان اعزامی با کسب یک مدال طلا و یک برنز پایان یابد.

ابازری در گفت‌وگو با فارس، در پاسخ به این سؤال که کسب مدال برنز آن هم با مصدومیت در بین برترین‌های دنیا کار دشواری بود، گفت: بله! واقعاً با مصدومیتی که داشتم کارم خیلی سخت بود. از طرفی هم مسابقات سطح فنی بسیار بالایی داشت. تمام ۸ نفر از قهرمانان اروپا و مدال‌آوران جهانی در این رقابت‌ها بودند. البته کاراته رشته‌ای است که در لحظه نتیجه‌تغییر می‌کنند؛ ممکن است یک نفر قهرمان جهان باشد و در یک لحظه بازنده مسابقه شود؛ برای همین مدال گرفتن در کاراته واقعاً دشوار است. طارق محمود قهرمان جهان است و در نخستین دیدار نتیجه بازی را به او واگذار کرده بودم. در دیدار رده‌بندی در دومین مبارزه ابتدا ۴ بر صفر او و عقب بودم و با راهنمایی‌های سرمربی تیم‌ملی در نهایت موفق شدم ۶ بر ۴ را شکست دهم و مدال برنز را کسب کنم. ابازری که مدال برنز این رقابت‌ها را کسب کرد، گفت: این مسابقات یک مدال برنز بیشتر نداشت و گرفتن این مدال واقعاً کار دشواری بود، خدا رو شکر می‌کنم با مدال برنز به ایران برمی‌گردم. تمام تلاشم را خواهم کرد تا در مسابقات بعد طلا کسب و کاستی‌ها را جبران کنم. جا دارد از زحمات سیدشهرام هروی، سرمربی تیم‌ملی که در این مسیر کمک‌حالم بود، تشکر کنم.

گزارش

آزمون بزرگ تیم ملی بانوان ایران بعد هم‌گروهی با استرالیا، کره‌جنوبی و فیلیپین در جام ملت‌ها سخت اما شدنی

وقتی نام ایران از گوی‌های قرعه‌کشی جام ملت‌های فوتبال زنان آسیا بیرون آمد و کنار ۲ قدرت تثبیت‌شده قاره کهن نشست، همه فهمیدند این دوره برای تیم ملی ما قرار نیست سفری آسان باشد. سیدنی بدون حضور حتی یک نماینده ایرانی شاهد لحظه‌ای بود که تیم ملی زنان کشورمان در گروهی افتاد که بسیاری از کارشناسان بی‌تعارف، برجسب «گروه مرگ» را روی آن روند؛ جایی که استرالیا، کره‌جنوبی و فیلیپین منتظرند محک سختی به نماینده ایران زنند.

مستزبان برادعا و مجهز

استرالیا، همان ماتیلداهای پرشور، نه‌تنها میزبان این رقابت‌هاست، بلکه ترکیبی از تجربه‌کننده‌کارها و انرژی جوان‌ها را در اختیار دارد. این تیم که سابقه قهرمانی آسیا در سال ۲۰۱۰ و ۴ بار ایستادن روی سکوی نایب‌قهرمانی را در کارنامه دارد، حالا با رتبه سوم آسیا و شانزدهم جهان در رنکینگ فیفا، برای فتح جام به میدان می‌آید. حضور تماشاگران پرشمار خانگی، زمین‌های ایده‌ال و امکانات تمرینی پیشرفته، برگ برنده‌ای است که به سختی می‌توان مقابله‌اش ایستاد.

کره‌جنوبی؛ آرام ولی خطرناک

در دریف دوم مدعیان این گروه، کره‌جنوبی ایستاده‌است؛ تیمی که شاید کمتر از ژاپن و چین تیر یک رسانه‌ها باشد اما با برنامه‌ریزی حساب‌شده و نظم بی‌وقفه، خود را به یک قدرت قابل احترام تبدیل کرده‌است. تجربه رسیدن به فینال جام ملت‌ها ۲۰۲۲ و قهرمانی شرق آسیا در سال ۲۰۲۵ مهر تأییدی بر روند رو به رشد آنهاست. انضباط دفاعی و ایده‌های خلاقانه در حمله باعث شده بازی مقابل این تیم حتی برای قدرتمندترین جهان هم یک آزمون جدی باشد.

فیلیپین؛ شگفتی‌سازی که دیگر غریبه نیست

کمتر کسی چند سال پیش تصور می‌کرد نام فیلیپین در میان بزرگان فوتبال زنان مطرح شود؛ اما این تیم با سرمایه‌گذاری روی بازیکنان دورگه و فوتبال تهاجمی، حالا برای هر حریفی دردسرساز است. صعود به نیمه‌نهایی جام ملت‌های ۲۰۲۲ و برد تاریخی برابر نیوزیلند در جام‌جهانی ۲۰۲۳ نشان داد فیلیپین دیگر یک تازه‌وارد بی‌خطر نیست. رتبه ۴۱ جهان و تجربه رویارویی موفق با تیم‌های بزرگ، این تیم را به یکی از تهدیدهای جدی گروه A بدل کرده است.

ایران؛ بین واقعیت و رویا

زنان فوتبالبست ایرانی که طی سال‌های اخیر قدم‌های جدی برای رشد برداشته‌اند، این بار با قرعهای روبه‌رو شده‌اند که عبور از آن به شجاعت و تمرکز بالا نیاز دارد. تجربه تقابل‌های گذشته چندان امیدوارکننده نیست؛ ۲ شکست برابر استرالیا در انتخابی المپیک و ۳ باخت مقابل فیلیپین، پیشینه‌ای است که از دشواری مسیر خبر می‌دهد. نخستین دولت رسمی با کره‌جنوبی هم ۱۱ اسفند برگزار می‌شود؛ مسابقه‌ای که می‌تواند نشان دهد فاصله واقعی ما با مدعیان قاره چقدر است.

غیبت معنادر در سیدنی

نبود حتی یک نماینده ایرانی در مراسم قرعه‌کشی شاید برای برخی یک موضوع حاشیه‌ای باشد اما در نگاه حرفه‌ای، نشانه‌ای است از کم‌توجهی مدیریتی به فوتبال زنان. وقتی رقبای ما با هیت‌های کامل و برنامه‌های رسانه‌ای در چنین رویدادهایی حاضر می‌شوند، غیبت ایران پیام روشنی درباره اولویت‌بندی‌ها به جامعه فوتبال آسیا می‌دهد.

فرصت پنهان در دل خطر

واقعیت این است که حضور در این گروه دشوار، هرچند چالش‌برانگیز است اما فرصتی استثنایی برای یادگیری و صعد فنی تیم ملی به حساب می‌آید. حتی اگر شانس محکد کم باشد، همین تجربه روبه‌رو شدن با تیم‌های سطح اول، می‌تواند افق تازه‌ای برای فوتبال زنان ایران ترسیم کند. فوتبال سرشار از غافلگیری است و تیم‌های به ظاهر ضعیف، روزی غول‌ها را از پیش رو برداشته‌اند.

فراتر از نتیجه‌گرایی

جام ملت‌های پیش رو برای ایران تنها به معنای برد و باخت نیست؛ این مسابقات یک آزمایش بزرگ است تا نقاط ضعف و قوت خود را بشناسیم. اگر با برنامه و جسارت به میدان برویم، حتی شکست‌ها نیز به پله‌هایی برای پیشرفت تبدیل خواهند شد.

کمتر پیش می‌آید یک مسابقه پیش‌فصل، اینقدر بار روانی و فنی برای ۲ تیم و حتی برای کل لیگ داشته باشد اما امشب ورزشگاه نقش جهان اصفهان، میزبان جدال تراکتور و استقلال

است؛ بازی‌ای که به اسم سوپرجام برگزار می‌شود ولی در عمل شبیه یک کلاس فشرده برای شناختن قهرمان‌های بالقوه فصل است. یک جام، ۲ مربی خارجی با فلسفه‌های متفاوت، ۲ تیم پرهوادار و البته ۲ مسیر کاملاً مجزا برای رسیدن به این نقطه.

■ قصه ۲ قهرمان با ۲ جام

تراکتور، تیمی که فصل گذشته با نظم و صلابت در لیگ برتر از سکوی قهرمانی بالا رفت، حالا در موقعیتی ایستاده که باید نشان دهد آن فصل طلایی، محصول اتفاق نبوده است. دراگان اسکوچیچ با همان چارچوب فصل پیش، فقط چند قطعه تازه برای تکمیل پازلش اضافه کرده؛ خریدهایی که بیشتر برای نبردهای سنگین لیگ نخبگان آسیا برنامه‌ریزی شده‌اند تا مسابقات داخلی. در سئو دیگر، استقلال با جام حذفی به این دیدار رسیده اما با نیمکتی تازه‌نفس و ترکیبی دستخوش تغییرات گسترده. ریکاردو ساپینتو که یک رفت و برگشت پرماجرا به ایران داشته، حالا با شناخت دقیق‌تر از فضای لیگ برتر برگشته تا اشتباهات گذشته‌اش را جبران کند. استقلال بدون چهره‌های شناخته‌شده‌ای مثل سیدحسین حسینی و آرش رضواند، در پی ساختن یک تیم تازه است؛ تیمی که باید از همین سوپرجام، پیام قدرت بدهد.

■ جدال آسیایی‌ها در اصفهان

فراتر از جنبه داخلی، این دیدار حکم نمایش توانایی

زنگ آغاز فصل فوتبالی تیم‌های استقلال تهران و تراکتور تبریز در بازی سوپرجام به صدا می‌آید. دیداری که مجدداً هفته بعد و تحت عنوان افتتاحیه لیگ برتر بیست و پنجم تکرار خواهد شد اما اولی مهم‌تر و حساس‌تر از بازی دوم ۲ تیم است؛ «دیداری برای کسب جام».

تراکتور پس از قهرمانی در لیگ برتر بیست و چهارم شاکله اصلی تیمش را حفظ کرد و فقط ۲ بازیکن اصلی و موثرش را از دست داد؛ عارف اقلایی که به استقلال پیوست و ریکاردو آلوژ که با فسخ حرف‌دار قراردادش به سپاهان رفت و مسلمان انتقالش آستان‌دار هم خواهد شد؛ علاوه بر این تراکتوری‌ها تا ۴ ماه دیگر نیز از وجود مرد شماره یک خود محروم خواهند بود.

تبریزی‌ها طبق استراتژی مالک خود (زنوزی) به جای خرید بازیکنان ایرانی با مبالغ کدایی، اسراع گزینه‌های مناسب‌تر و به‌صرفه‌تر خارجی رفتند؛ اسکندر سدلار با ۱۰۰ بازی در لالیگا، خامرویکف که به جای استقلال به تراکتور پیوست و تیبور خلیلوویچ، مهره‌های خارجی جدید خط دفاع و میانی تبریزی‌ها در فصل جاری هستند.

آسیایی‌ها را هم دارد. تراکتور در سطح بالاتر، یعنی لیگ نخبگان آسیا، باید خودش را ثابت کند؛ استقلال اما در سطح دوم باشگاه‌های آسیا یعنی لیگ قهرمانان دنبال افتخار است. همین تفاوت جایگاه، حساسیت و کنج‌کاوی‌ها را بیشتر می‌کند. هر ۲ تیم با ذهنیتی فراتر از فوتبال ایران بسته شده‌اند و سوپرجام بهترین فرصت است تا این ذهنیت‌ها به بوته آزمایش گذاشته شود.

■ تراکتور؛ ثبات به سبک اسکو

قهرمانی تراکتور در لیگ گذشته، بیش از هر چیز محصول ثبات بود. نه خبری از تغییرات پیاپی روی نیمکت بود، نه حاشیه‌های فرساینده و نه خریدهای عجیب‌وغریب وسط فصل. اسکوچیچ توانست یک سیستم منظم بسازد که به سختی کل می‌خورد و با صبر و تاکتیک، حریفان را از پا درمی‌آورد. وی حالا با همان بدنه اصلی و چند چهره تازه، آمده تا نشان دهد می‌توان روی این مسیر حساب کرد. برای او، قهرمانی در سوپرجام فقط یک جام دیگر نیست، بلکه مهر تأییدی بر این است که تراکتور همچنان در مسیر درست حرکت می‌کند.

■ استقلال؛ تغییر برای بقا

برعکس تراکتور، استقلال فصل گذشته نمونه بارز بی‌ثباتی بود؛ نوسان در نتایج، تغییرات مدیریتی و

به بهانه دیدار امشب سوپر جام بین استقلال و تراکتور به عنوان ویتربین فوتبال ما

جانمی جام!

فنی، ۶ سرمربی مختلف در یک فصل(!) و در نهایت رضایت دادن به رتبه نهم. این افت شدید، تغییرات را اجتناب‌ناپذیر کرد. ساپینتو، حالا مأمور بازسازی تیمی است که باید اعتمادبه‌نفس از دست‌رفته را پس بگیرد. خریدهای تازه، سبک بازی تهاجمی‌تر و کنار گذاشتن چهره‌هایی که رابطه سردی با سکوها داشتند، بخشی از این پروژه است.

سوپرجام برای ساپینتو، آزمون اول است؛ آزمونی که می‌تواند حکم مقدمه‌ای شیرین یا شرعی پرنش برای فصل تازه باشد.

■ میدان آزمایش تاکتیک‌ها

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های این بازی، تقابل تاکتیکی ۲ مربی خارجی است. اسکوچیچ با سبک حساس‌پکرانه و کنترل بازی شناخته می‌شود، در حالی که ساپینتو عاشق فشار بالا، انرژی و حمله است. این تضاد می‌تواند یک نمایش تمام‌عیار بسازد. هر ۲ مربی می‌دانند حتی یک جام پیش‌فصل هم می‌تواند افکار عمومی را به سودشان تغییر دهد.

■ عیار لیگ ۲۵

در فوتبال، بهار در تابستان آغاز می‌شود و این بازی دقیقاً همان بهار لیگ بیست‌وپنجم است. قضاوت نهایی

سلیمی، مهرداد محمدی، خالدآبادی، نیک‌نفس و امیرعلی صادقی دیگر جدا شده‌های این تیم هستند که اتفاقاً استقبال هواداران را نیز در پی داشته است. مدیران استقلال اما در هفته اخیر تکانی به خود دادند و با آنتونیو آدان، سدید سحرخیزان، یاسر

آسانی و داکتر نازون به توافق رسیدند. البته از این جمع فقط آدان و سحرخیزان می‌توانند در سوپرجام، آبی‌پوشان را همراهی کنند. قبل از این هم آشورماتف، رزاقی‌نیا، اسماعیل قلی‌زاده، گودرزی، آل‌کثیر و فرعبیسی به استقلال پیوستند که اولی در اردوی ترکیه مصدوم شد و چند ماهی از میدان به دور خواهد بود و آخری نیز به خاطر عدم رضایت ساپینتو از عملکردش، احتمالاً به تراکتور می‌پیوندد. آل‌کثیر هم که لحاظ شرایط نامناسب فنی و حواشی سابق، پیوستنش به استقلال مایه تعجب و حیرت اهالی فوتبال و خشم هواداران این باشگاه شده، به احتمال فراوان شانس خود را باید جایی دیگر جست‌وجو کند. مشاوریف هم به خاطر مصدومیتش که از اردوی ترکیه

درباره «نکو بودن سال» زمان می‌خواهد اما سوپرجام فرصت مناسبی است تا ببینیم کدام تیم آماده‌تر و مصمم‌تر است. فصل گذشته، تراکتور با آرامش و نظم قهرمان شد و استقلال با آشفتگی به میانه جدول سقوط کرد. حالا هر ۲ از خط صفر شروع می‌کنند و این دیدار می‌تواند مسیر ماه‌های آینده را ترسیم کند.

■ روانشناسی یک جام

سوپرجام از نظر اهمیت قطعاً به پای لیگ و جام حذفی نمی‌رسد اما تأثیر روانی‌اش را نباید دست‌کم گرفت. برد در این بازی، به تیم برنده انرژی و اعتمادبه‌نفس می‌دهد که می‌تواند تا هفته‌ها ادامه پیدا کند. شکست اما می‌تواند درست پیش از شروع لیگ، موجی از فشار و تردید را ایجاد کند، بویژه برای تیمی که پروژه بازسازی را آغاز کرده است.

■ نگاه به سکوها

هواداران هم برای این دیدار، برنامه‌ای ویژه دارند. سوپرجام شاید تنها فرصتی باشد که پیش از شروع فصل، ۲ تیم مدعی را در یک بازی جدی ببینند. سکوهای نقش جهان، صحنه‌ای خواهد بود که هم رنگ سرخ تراکتور را به نمایش می‌گذارد و هم آبی استقلال را.

این ۲ رنگ، نه فقط در اصفهان که در تمام ایران، آماده‌اند یک فصل طولانی و پرنش را آغاز کنند. سوپرجام ۱۴۰۴، فراتر از یک جام تک مسابقه، روایتی است از ۲ مسیر متفاوت؛ یکی مسیری که با ثبات و برنامه‌ریزی به قله رسید و دیگری مسیری که با تغییر و بازسازی، در جست‌وجوی بازگشت به اوج است. در بهار فوتبال ایران، هر ۲ مربی خارجی باید نشان دهند انتخاب ایران برای‌شان فقط یک قرارداد کاری نبوده، بلکه مأموریتی است برای ساختن تیمی که در پایان سال، هنوز «نکو» باشد.

آغاز و در تهران تشدید شد مثل هموطنش، آشورماتوف، تا چند ماه دیگر قادر به همراهی آبی‌پوشان نخواهد بود. تراکتور تبریز شرایط فنی بهتری به خاطر حفظ سرمربی موفق و اسکلت اصلی تیمش و همچنین هماهنگی بیشتر ناشی از این ۲ عامل و غنای بیشتر نفرات نسبت به حریف تهرانی‌اش دارد، ضمن اینکه اسکو از شرایط اردوی خوب پیش‌فصل تیمش نیز راضی است ولی در سوی مقابل، اوضاع نه چندان مساعدی که استقلال اکنون نیز از آن فراغت کامل نیافته، تغییرات و عدم تکمیل بهینه تیم، نیاز به هماهنگی بیشتر تیمی و نارضایتی ساپینتو از شرایط نامطلوب اردوی ترکیه (سخت‌افزاری و نفراتی) آبی‌پوشان را در موقعیتی ضعیف‌تر قرار داده است.

سوپرجام تقابل اندیشه‌های ۲ مربی خارجی است که فوتبال هجومی را سرلوحه کار خوش قرار داده‌اند؛ اسکوچیچ با روش ۴-۲-۴ و ساپینتو با سیستم ۴-۳-۳ تیم‌های‌شان را به زمین می‌فرستند مگر اینکه شرایط و اهمیت بازی باعث شود مربی کروات به شیوه ۴-۲-۳ و مرد پرتغالی به روش ۴-۲-۴ رو آورند. باید دید اسکوچیچ دومین جام پیاپیش با تراکتور را تصاحب می‌کند یا ساپینتو با کسب دومین سوپرجام خود با استقلال، مأموریت ناتمام سابقش را با قهرمانی آغاز می‌کند.

خشم جهان فوتبال از بیانییه ریاکارانه یوفا در پی شهادت «پله فلسطین»

سیلی به سکوت

شهادت عبید را منتشر کرد: «با پله فلسطین خداحافظی می‌کنیم؛ استعدادی که حتی در تاریک‌ترین لحظات به کودکان امید بخشید». اما این متن هیچ اشاره‌ای به واقعیت نکرده؛ نه خبری از بمباران بود، نه اشاره‌ای به محاصره و صف کمک‌های غذایی، نه حتی نام بردن از عامل شهادت. گویی او بر اثر بیماری یا حادثه طبیعی از دنیا رفته است. گویی پیرمردی ۹۰ ساله به علت کپهولت سن در بسترش به آرامی جان داده!

این ریاکاری معنادار و سکوت برابر قتل توسط تروریسم دولتی اسرائیل، بویژه از نهادهی که خود را «حامی ارزش‌های انسانی» معرفی می‌کند، با موجی از انتقاد مواجه شد. کاربران عرب، مسلمان و حتی بسیاری از هواداران غیرمسلمان فوتبال در غرب، یوفا را به «سانسور حقیقت» متهم کردند.

■ صلاح؛ صدایی که خاموش نمی‌شود

در میان هزاران واکنش، پیام کوتاه محمد صلاح پیش از همه دیده شد. او با بازنشر پست یوفا، نوشت: «هی‌شود بگوئید کجا، چطور و چرا» ۳ پرسش ساده که همچون ضربه‌ای محکم، سکوت بی‌دلیل یوفا را شکست و بحث را به صدر ترندهای شبکه اجتماعی «یکس» رساند.

کاربران در پاسخ به این پرسش‌ها، حقیقت را بی‌پرده نوشتند: «او در سرزمینش، به دست ارتش اشغالگر اسرائیل در صف دریافت نان شهید شد». این موج واکنش نشان داد چگونه یک جمله کوتاه می‌تواند روایت رسمی را به چالش بکشد و حقیقت را به صدر گفت‌وگوهای جهانی برگرداند.

■ قهرمانی که فوتبال فلسطین را زنده کرد

سلیمان عبید فوتبالش را در باشگاه خدمات ساحلی آغاز کرد، سپس به مرکز جوانان امعری در کرانه باختری پیوست و بعد راهی باشگاه الریاضی غزه شد. سال‌ها در زمین‌های خاکی و استادیوم‌های کوچک، با کمترین امکانات اما بیشترین انگیزه بازی کرد. سال ۲۰۱۰ نخستین گل ملی‌اش را مقابل یمن زد. بعد در رقابت‌های چلنج کاپ آسیا و مقدماتی جام‌جهانی ۲۰۱۴ برای تیم ملی فلسطین جنگید. در طول دوران بازی بیش از ۱۰۰ گل به ثمر رسانده؛ آماری که در فوتبال داخلی فلسطین کم‌نظیر است و دلیل اصلی لقب «پله فلسطین» را توضیح می‌دهد.

برای نسل جوان فلسطین، او نه فقط یک

فوتبال در سایه جنگ

محبوبیت عبید فراتر از آمار و افتخارات بود. او در دوره‌ای بازی کرد که فوتبال فلسطین زیر فشار محاصره، محدودیت سفر و حملات مکرر قرار داشت. بسیاری از هم‌تیمی‌هایش مجبور بودند تمرینات را زیر صدای آژیر خطر انجام دهند و سفر به کشورهای دیگر برای بازی، خود ماجرای طولانی و پرهزینه بود.

با این حال، عبید هیچ‌وقت از پیراهن تیم ملی فلسطین دست نکشید. بارها با وجود آسیب‌دیدگی یا شرایط سخت، به زمین رفت تا به قول خودش «فلسطین را در میدان نمایشم کند».

■ ۲ روایت؛ ۲ دنیا

تفاوت میان روایت یوفا و حقیقتی که در غزه رخ داد، نمونه‌ای عینی از شکاف میان جهان فوتبال حرفه‌ای و واقعیت مردم تحت اشغال است. یوفا ترجیح داد با یک جمله شاعرانه، خشونت و جنایت را پنهان کند اما صلاح، با ۳ پرسش ساده، این پرده را کنار زد. این تضاد نه‌تنها مساله‌ای اخلاقی برای یوفا ایجاد کرد، بلکه بحث بزرگ‌تری را درباره مسؤولیت نهادهای ورزشی در بیان حقیقت به راه انداخت. آیا فوتبال می‌تواند نسبت به شهادت یک بازیکن بر اثر بمباران بی‌تفاوت باشد و همچنان مدعی پایبندی به «روح بازی جوانمردانه» بماند؟

■ میراث جوادان

شهادت مظلومانه سلیمان عبید در ۴۱ سالگی، پایانی تلخ برای یکی از بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال فلسطین بود اما یاد او، چه در زمین فوتبال و چه در دل مردمی که او را قهرمان خود می‌دانستند، زنده خواهد ماند. ۵ فرزندش که حالا بدون پدر بزرگ می‌شوند، بخشی از همان نسلی هستند که روزی او برای شادی و افتخارشان بازی می‌کرد. شاید بهترین پاسخ به سکوت و تحریف، همین باشد که داستان زندگی و شهادت او بارها و بارها روایت شود؛ بی‌پرده، بی‌سانسور و با همه جزئیاتش. چون در جهانی که گاهی حقیقت زیر لایه‌ای از کلمات زیبا پنهان می‌شود، بازگویی واقعیت، خود نوعی مقاومت است.

